



اکنون بسیاری از مردم از جت شخصی استفاده می کنند!

مجید ادیبی

شوخى
بى شوخى



طغی‌پرداز
مهدی محمدی

سفر
من
تج

● یک مغز متفکر که هنوز از کشور فرار نکرده است؛ به عموم مردم توصیه می‌کنم قبل از هر پرواز جعبه سیاه

● یک متقاضی نگران: چرا برای عمو
آزاد کردن؟ آگه با کمبود هواپیما
بشیم کسی هست هواپیمای منجمد

● یک آینده نگر: این جت ها اگر کارت س و سهمیه سوخت هزار پانصد تومنی د می خوام و گرنه با بنزین سه هزار تومنی وابدانی صرفه بخرم.

● یک نگران جای پارک: ماشین یه تو کوچه بود، آینه سمت راستش کند می ترسم جت رو بذارم تو کوچه بهش بز سمت راستش کنده بشه.

مسئولیت معاونت شهرداری مشهد و ریاست اداره نوسازی و توسعه و تعمیر مدرسه های خراسان نیز به چشم می خورد. به این ترتیب عباس آفرنده با حضور در مسجدگهرشاد و بررسی اولیه و ارزیابی های دقیق نتیجه را اعلام کرد. چاره کار برداشتن گنبد بزرگ و جایگزین کردن آن با یک گنبد پتئی است! پیششهاد مهندس آفرنده در ابتدای امر ناممکن و دلهره آور به نظر می رسید. اگر دیواره های مسجد مقاومت کافی نداشت؛ اگر تخریب به درستی صورت نمی گرفت؛ اگر پایداری بنا با محاسبات اولیه مطابقت نداشت؛ اما مهندس آفرنده با تخصص و ویژه در بتن ریزی، اعتقاد داشت: برداشتن گنبد و پتئی کردن آن، سه هزار کیلو، معادل سه تن است. وزن گنبد کم می کند و این شکیبای اصلی بنا. خطر تخریب دیواره های آن به کلی رفع خواهد شد. پس با محاسبه، مدیریت و نظارت کامل مهندس عباس آفرنده، عملیات تخریب آغاز شد. کاشی ها یکی یکی از دیگری به تدریج برداشته و با رعایت ایمنی، بارگذاری، برای نصب گنبد آماده شد. در آخرین دیدار، نصب گنبد جدید از سال ۱۳۴۰ تا



معماری از پشت مسجد گوهرشاد. دهه ۷۰ خورشیدی

خواهیم داشت. آن وقت با تطبیق آمار مدارس و کلاس‌های موجود، به دنبال تأسیس مدارس بیشتر برای تأمین نیازهای آتی شهر می‌افتاد. مدارس ساخته شده به امضای مهندس آفرنده از شمالی‌ترین نقطه خراسان بزرگ تا جنوبی‌ترین آن، نشان سال‌ها مامورست و شفقت در مسیر خدمت به آموزش و پرورش و نسل آینده دانش‌آموزان است.

۶۲۰ سال پیش وقتی رازها به حرم مطهر رضوی رسیدند و در سر لای می‌گرفتند تا روی آدم باسد، همه چیز یک گنبد طلایی ساده بود. اما بعد از آنکه به در تیره‌های افتادگی مسجد یا امام‌زاده‌ها، می‌روژه‌ای در مساهنگی ایوان طلای امام‌زاده‌ها، تاکنند، انگار یک تکه از آسمان، میهمان بهشت روی زمین شده باشد. همه چیز جور دیگری زیبا شود. اولین کلنگ را اقوام الدین شیرازی رز در تا حدات ایوان، از قاضی‌نیز مساجد دنیا، ایوان اسلام یا بهر معمارباشی عهد تیموریان آغاز شود. دو قرن بیشتر گذشته بود که زمین آرزید، خشم زمین، آدم‌ها به نهای بسیاری را و شحت زدر کرد. در این بین، بناهای باشکوه گورهای جرد صدمانی مختصر در ایوان مقصوره، آسیب جبران ناپذیر دیگری ندیده‌اند. هم‌ن‌پس از سه چهار سال به دستور شاه سلیمان صفوی و تجر شجاع الدین، معمار کاربلد آن ایام، ساخته شد. سال ۱۲۹۱ با شلیک توخانه روس‌ها، روزه‌توب به ایوان مقصوره و یازدگلوله به آسیب رسید، مساجد، ضلالت ابن بنیو را تاریخی را به انگیز جددی دچار کرد. اما طی پنجاه سال به تدریج، ریمیم شد تا اینکه در سال ۱۳۳۹ به صلاح‌دید دارل‌علیه باستان‌شناسی و رازهای از توپیت افتاد قدس شد. اما به تهران نوشته شد تا به این ترتیب، راترب درخواست بود چه برای تجدید بنای گنبد و ایوان فراهم آید. هر چند از محل موقوفات مسجد و گورهایش و آجره مریدان و سرده و مساعداً به رازمندان دولت، علاوه بر خدمت به توسعه شهر، رازمد خوبی برای بازسازی فراهم می‌شد. اما از بهر تر، انتخاب معمار چیره‌دستی بود که سوی فریگی در علم عمران، ارادت قلبی و میل باطنی بود برای خدمت به آستان رضوی را چاشنی کانی ندس چسکمی بهتر از عباس‌آفرنده، به سر حاج میرزا محمدکه او نیز زمانی از معماران خوش‌ذوق ارادت‌مند آستان قدس رضوی بود. عباس‌آفرنده، مامر کوکدکی اش به تماشای فعالیت‌های عمرانی پدر در حرم امام‌زاده‌ها، گذشته بود. و شوق او، نمر معمار، را در همان روزگار در دلش جوانه

روایت

رئیس سازمان هواپیمایی کشور:

آگاه نبودن از تفاوت انواع دوستی هاست. ارسطوی می گوید که سه نوع دوستی داریم. دوستی بر اساس فایده ای که دو نفر به همدیگر می رسانند مانند دو همکار یا دامپیر و کارمند. دوستی بر اساس لذت مشترک مانند دوستانی که با یکدیگر به کافی می روند. دوستی بر اساس امری که تفریحی می روند. دوستی بر اساس خوبی ها و فضایل مشترک. در این نوع دوستی طرف تاش می کشند تا خوبی ها و فضایل دیگری را کشف و تقویت کنند و آن ها را با هم به اشتراک بگذارند. دوستان بر اساس خوبی و فضیلت مشترک می آیند گراز از نوع اول دوستی است و مانند گرازها در صورت نبود فایده یا لذت نیست که در صورت نبود فایده یا لذت

گلابه از بدگوی و پشت سرمان حرف زدن از سوی فردی که دوست می‌پنداشتیم، تجربه همه‌ماست. گلابه از اینکه فلاحتی که مدت‌ها یادآور دوست بودیم، راه‌روسم هم شفرگی را به جا می‌آورد و نمک خورده و نمکدان شکسته‌است. این روزها یافتن دوستی که به راحتی بتوانی آنچه که در دل داری و بدون نگرانی با او در میان بگذاری، به راستی سخت شده‌است. تفاوتی نیست، این‌که دلت می‌خواهد شصتی باشی یا ده هشتادی، فقط نوع نگرش به دوستی در بین این نسل‌ها متفاوت است. اما نبود دوستی همدل نقطه مشترک این نسل‌هاست، به راستی چرا امروزه ما جایی رسیده‌ایم که یافتن دوست به‌کالایابیاب تبدیل شده‌است؟ شاید دلیل این مسئله

از بین برود. برای دهه شصتی‌ها دوست و رقیب و دوروی یک سکه است. نسلی که مجبور بودند بر سر نشستن در میز و نیمکت‌ها یا دوستانشان راقابت کنند نسلی که به کنکور رسیدند، متوجه شدند که گذشت از سد کنکور یعنی راقابت با دوستان کودکی. زمانی هم که وارد بازار کار شدند، یافتن مبلغ مناسب و ارتقای شغلی یا بلند راقاتی سخت‌ترین مباحثی بود که برخی از ها سال‌ها سکوستان داشتند. براساس تجربه شخصی‌ام، داشتم من این است که کمیای دوست‌های شصتی‌ها را همیشه تحت تأثیر قرار داده‌ام. برای همین شاید خیلی از ها هیچ‌گاه

روزنامه نگار
سید محسن موسوی زاده

در افکند ای صنم ابر بهشتی زمین را خلعت اردیبهشتی
 زمین برسان خون آلود دیا هوا برسان نیل اندود مِشتی
 ز گل بوی کلاب آید بد انسان که پنداری گل اندر گل سرشتی
 دقیقی چار خصلت برگزیده ست به گیتی از همه خوبی و زشتی
 لب باقوت رنگ و ناله چنگ می چون رنگ و کیش زرد هشتی

دقیقی



عکس، روز

امروز روز زمین است. روزی برای اهمیت و توجه به محیط زیست و زمینی که در آغوشش جهانمان را ساخته ایم. این روز بیش از هر روز دیگری و بیش از هر چیزی برایمان روز هشدار است تا با حواسمان به نظم و اعتدالش، به پاک‌ی و نظافتش باشد. تا با بیکران آب و آسمانمان را و سبزی پهناور طبیعت و جنگل هایش را غبار غم ننشیند.

عکس: محمد حسن صلواتی/شهرآرا